

شرایط صلح بین امریکا و طالبان اغواگرایانه است

گزارش دهنده: سید حسیب مصلح بیسواد

۳۰ نوامبر ۲۰۱۹

یک گزارش موثق از کابل حاکی از آن است که دانلد ترامپ می‌کوشد پس از اعلان آتش بس سرتاسری از طرف طالبان زمینه دیدارش را با هیئت آن گروه و محمد اشرف غنی احمدزی در واشنگتن فراهم کند. رسانه‌ی شدن دیدار ترامپ پس از ۲۴ ساعت به تاریخ ۲۸ نوامبر ۲۰۱۹ از پایگاه نیروهای اشغالگر امریکایی در بگرام یک نیرنگ سیاسی - نظامی برای اغوای افکار مردم امریکا و افغانستان در قبال دوباره روی دست گرفتن روند گویا صلح است. سفر پنهانی ترامپ از افغانستان بیانگر میزان ترس و هراس اشغالگران از واکنش دهشت افکنان را به نمایش گذاشت. اما حضور تحقیرآمیز محمد اشرف غنی احمدزی در پایگاه نیروهای اشغالگر امریکایی در چهل کیلومتری کابل گواه این واقعیت تاریخی است که اشغالگران به دستنشانندگان خویش هیچ ارزشی و حرمتی قابل نیستند.

اعلان آتش بس پیش از امضای توافقنامه برای فراهم کردن شرایط تسلیم نمودن تدریجی قدرت و حاکمیت افغانستان به طالبان توسط ترامپ یک پیش شرط جدیدی نیست. طالبان، در پاسخ به ادعای ترامپ در قبال اعلان آتش بس به صفت پیش شرط دوباره روی دست گرفتن گفتگوهای صلح، اعلان کردند که آنان نخست از همه خواهان امضای توافقنامه صلح توسط شخص رییس جمهور امریکا هستند تا این حسن نیت امریکا زمینه ساز شرایط لازم برای اعلان آتش بس گردد. این سیاست راهبردی طالبان بیانگر عمق توطئه پاکستان در راستای به رسمیت شناختن آن گروه دهشت افکن توسط امریکا، کشورهای عضو ناتو، روسیه، چین، کشورهای اسلامی و سازمان ملل متحد است. طالبان زمانی آتش بس را پس از امضای توافق نامه گویا صلح با امریکا پیاده خواهند کرد که همه زندانیان شان از همه زندان های داخل و خارج از افغانستان آزاد شوند. شرط دیگر طالبان اعلان ختم رسمی جنگ از طرف نیروهای اشغالگر امریکا و کشورهای عضو ناتو و رژیم دست نشانده امریکا در کابل علیه آنان است. اگر

شروط طالبان برای زمینه سازی آتش بس دائمی توسط امریکا، دول عضو ناتو و رژیم دستنشانده کاخ سپید در کابل قبول و به صورت رسمی اعلان و رعایت گردد در آن صورت است که ملا هیبت الله در زمینه اعلان آتش بس پس از خروج همه نیروهای نظامی اشغالگران از افغانستان غور خواهد کرد.

اما اکنون جان بس سفیر امریکا در کابل سعی دارد با وارد کردن فشار گسترده و حد اکثری بالای حوا نورستانی جلو اعلان نتایج نمایشنامه انتخابات ریاست جمهوری سال جاری را برای چند هفته دیگر بگیرد. امریکا نمی خواهد عبدالله عبدالله بر کرسی ریاست جمهوری افغانستان تکیه زند، چون روی کار آمدن عبدالله عبدالله همه تلاش های روند صلح بین امریکا و طالبان را بی نتیجه خواهد ساخت. طالبان هرگز با رژیمی تحت قیادت عبدالله عبدالله مذاکره و صلح نمی کنند. امریکایی ها هم نمی خواهند با روی کار آمدن عبدالله عبدالله مذاکرات صلح با طالبان برای چهار سال به تعویق افتد. امریکا از دوباره روی کار آمدن محمد اشرف غنی احمدزی هم بیمناک است، چون رییس رژیم دستنشانده امریکا در کابل می خواهد برای پنج سال دیگر بر کرسی ریاست سرکاری تکیه زند و در این مدت همه رقبای حاکمیت پشتون ها بالای افغانستان را نیست و نابود کند. اما امریکا باورمند است که سپردن حاکمیت و قدرت نظام آینده افغانستان به طالبان تامين کننده ی منافع فرامرزی آن کشور در سطح افغانستان و منطقه است. سفارت امریکا در کابل تلاش می کند تا شرایط تاسیس یک حکومت انتقالی را با در کابل فراهم سازد.

تظاهرات حامیان و هواخواهان عبدالله عبدالله در کابل علیه شرایط اعلان کردن نتایج انتخابات ریاست جمهوری سرکاری توسط دفتر نمایشنامه انتخابات افغانستان هم نه تنها جای را گرفت، بل همچون سست باد موسوی آمد و بی تاثیر رفت. جان بس کارمند ارشد سی آی ای که به صفت سفیر امریکا در کابل است، دستور دارد تا از روی کار آمدن عبدالله عبدالله به صفت رییس جمهور نظام موجود در افغانستان جلوگیری کند.

در پایان اعلان نتایج تقلبی نمایشنامه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ امریکا با دستکاری آن نتایج به نفع محمد اشرف غنی احمدزی مانع پیروزی عبدالله عبدالله شد. دلیل این سیاست امریکا در قبال انتصاب محمد اشرف غنی احمدزی به

جای عبدالله عبدالله بر کرسی نام نهاد ریاست جمهوری افغانستان همانا پیش شرط گلبدین حکمتیار برای پیوستن به روند صلح مورد نظر امریکا بود. گلبدین حکمتیار هرگز حاضر نبود به روند صلح مورد نظر امریکا تحت سایه ریاست عبدالله عبدالله بپیوندد. حامد کرزی در خفا با این سیاست امریکا موافق بود، چون او نمی خواست کرسی ریاست سرکاری و لجام حاکمیت قوم پشتون با روی کار آمدن عبدالله عبدالله از چنگ پشتون ها بیرون گردد.

حالا هم جان بس می کوشد، با همکاری ابزاری یوناما مانع اعلان پیروزی عبدالله عبدالله به صفت رییس رژیم دستنشانده واشنگتن در کابل گردد. برای ترامپ ارجعیت بخشیدن به روند صلح بین امریکا و طالبان نسبت به اعلان نتایج انتخابات ریاست جمهوری افغانستان حایر اهمیت راهبردی است. امریکا مطلع است که طالبان از پیوستن به روند صلح تحت ریاست عبدالله عبدالله اجتناب می کنند و این موقف طالبان به معنی استمرار جنگ در افغانستان است. امریکا توان پرداختن هزینه جنگ افغانستان را ندارد. ترامپ با اغواگری های نوع خویش می کوشد به جهانیان چنان وانمود کند که گویا اقتصاد امریکا قوی است، اما همه اهل خبره می دانند که امریکا توان کمک و حمایت مالی از جنگ افغانستان را ندارد. اقتصاد امریکا به سوی ورشکستی هولناکی گام نهاده است. امریکا دیگر توان پرداختن هزینه جنگ افغانستان را ندارد. ترامپ در طی شش ماه با توافق یا بدون توافق صلح با طالبان نیروهای اشغالگر دولت امریکا را از افغانستان بیرون می کند. نخبگان پشتون تبار افغانستان هم مانند امریکایی ها از اعلان پیروزی عبدالله عبدالله و سپردن لجام حاکمیت و قدرت به نیروهای غیرپشتون هراسناک هستند. از این رو منفعت صلح بین امریکا و طالبان نسبت به پیروزی و روی کار آمدن عبدالله عبدالله یک بهانه ی است که نخبگان سیاسی پشتون تباران افغانستان می کوشند با استفاده از آن نیرنگ قدرت و حاکمیت بالای افغانستان را به نفع قوم خویش حفظ کنند. برای نخبگان پشتون حفظ قدرت و استمرار حاکمیت تبار شان بالای افغانستان خط سرخ شان است. نخبگان پشتون تبار افغانستان به هیچ وجه حاضر نیستند رهبری نظام حاکم بر افغانستان را به نفع قوم دیگری از دست دهند. اگر حوا نورستانی به صدای وجدان خویش تن در دهد و بر اساس اصل نتایج مبرا از تقلب، پیروزی عبدالله عبدالله را اعلان کنند،

در آن صورت حاضر هستند رهبر جناح ثبات و همگرایی را به قتل برسانند تا روند و توازن قدرت را به نفع قوم خویش نگهدارند.

طالبان در خفا به امریکایی ها اعلان کرده اند که آنان به هیچ وجه ریاست جمهوری عبدالله عبدالله را نمی پذیرند. اما جان بس، سی آی ای و وزیر امور خارجه امریکا باورمند هستند که رییس جمهور شدن عبدالله عبدالله موجب برهم خوردن روند مذاکرات صلح بین طالبان و امریکا خواهد شد. امریکا از یک طرف نمی خواهد بیش از این متحمل خسارات مالی و جانی در افغانستان گردد و از طرف دیگر می کوشد زمینه روی کار آمدن طالبان را از طریق آتش بس دائمی و تشکیل حکومت انتقالی فراهم سازد. قرار است نود درصد از اصل نیروهای اشغالگر نظامی، امنیتی و استخباراتی امریکا و دول عضو ناتو از افغانستان خارج ساخته شوند. اما سی و چهار هزار نیرو و کارمندان شرکت های خصوصی امریکایی در افغانستان باقی خواهند ماند.

شرکت خصوصی اکادامیا (بلک واتر سابق) متعلق به اریک پرنس است. اریک پرنس یک نظامی مبلغ عیسوی و یکی از دشمنان سرسخت اسلام و یک سرپاز حرفوی جنگ های صلیبی نوین علیه مسلمین است. دولت امریکا از حضور شرکت های نظامی خصوصی امریکایی در افغانستان جهت سرنگون کردن رژیم ایران و ایجاد تنش و برهم زدن امنیت و ثبات کشور های آسیایی مرکزی و ترویج دهشت افگنی در مناطق مسلمان نشین چین استفاده ابزاری می کند. سپردن لجام جنگ افغانستان به شرکت های خصوصی تحت مدیریت شرکت اکادامیا فصل جدیدی از جنگ های استکبار نوین را در افغانستان می گشاید.

اما ایران از دوباره روی دست گرفتن مذاکرات صلح بین امریکا و طالبان مشوش است. سفر ملا عبدالغنی برادر به ایران و دیدارش با جواد ظریف و دیگر طراحان سیاست ایران در قبال افغانستان پیام آور موقف و برخورد تقیه گرایانه ی رژیم حاکم در ایران است. رژیم ایران، مانند پاکستان، هرگز نمی خواهد افغانستان دارای یک نظام ملی و منتخب مردمی، امنیت، ثبات سیاسی-اقتصادی، و ترقی گردد. از همین رو رژیم ایران با پیشکش کردن سیاست تقیه گرایانه خویش هم به میخ می زند و هم به نعل: یعنی هم با رژیم دست نشانده امریکا در کابل سر سازش دارد و هم با گروه دهشت افکن طالبان سر کرنش را

گرفته و در خفا سیاست زمینه‌ی استمرار جنگ در افغانستان را بر اساس منافع ملی ایران و بقای رژیم موجود در آن کشور مشق می‌کند.

اما اریک پرنس می‌کوشد با کسب قناعت داند ترامپ قرارداد خصوصی سازی جنگ افغانستان را به دست آورد. اریک پرنس پس از ۱۳۹۲ از طریق تبلیغات رسانه‌یی تا حال میلیون‌ها دالر را جهت جلب توجه دولت مردان امریکا برای خصوصی سازی جنگ امریکا در افغانستان خرج کرده است. اما پس از روی کار آمدن ترامپ، مقامات پنتاگون، وزارت دفاع امریکا و در طی دو سال اخیر شخص وزیر خارجه آن کشور تا حال با خصوصی سازی جنگ افغانستان مخالفت خویش را ابراز کرده اند. خصوصی سازی جنگ افغانستان موجب می‌شود تا امریکا همه سیاست‌های مربوط به افغانستان را به شرکت اکادمیا بسپارد و موازی به آن سالانه بیست ملیارد دالر هزینه این جنگ شوم را به اریک پرنس بپردازد. در عوض، اریک پرنس تعیین‌کننده‌ی نوعیت نظام، رییس جمهور، وزرا، رییس و معاونین ریاست امنیت ملی، اعضای شورای ملی، والیان، رییس‌ها، فرماندهان، سفرا و حتی شهرداران در افغانستان خواهد شد. شرکت اکادمیا ضمانت‌تأمین امنیت سرتاسری افغانستان را در طی شش ماه پس از به دست آوردن قرارداد خصوصی سازی جنگ در این کشور وعده سپرده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که تربیه و تمویل‌کنندگان اصلی طالبان نظامیان حرفوی پروتستانت مشرب شرکت اکدمیا هستند. گزارش‌های سری از کابل حاکی از آن است که شرکت اکادمیا عامل اصلی طرح برهم خوردن دیدار ترامپ با ملا عبدالغنی برادر و محمد اشرف غنی احمدزی پیش از لغو آن مذاکرات بوده است. حمله انتحاری کابل که موجب لغو مذاکرات صلح بین امریکا، طالبان و محمد اشرف غنی احمدزی گشت در حقیقت کار دستوری‌های شرکت اکادمیا پنداشته می‌شود. سرکرده‌های طالبان، به خصوص شخص ملا عبدالغنی برادر، به هیچ وجه طرفدار خصوصی سازی جنگ افغانستان نیستند.

قرار گزارش از کابل، طالبان موافقت کرده اند که پس از امضای توافقنامه صلح با امریکا و اعلان آتش بسی مشروط به تشکیل حکومت انتقالی، قانون اساسی جدید افغانستان را با کسب توافق جناح‌های افغانی ذی دخل در مذاکرات صلح تدوین خواهند کرد. یک گزارش از یک تن از اعضای شورای رهبری جمعیت

اسلامی افغانستان حاکی از آن است که **قرار است ارتشبد عطا محمد نور و ملا عبدالغنی برادر در شکل دهی، مدیریت و پیشبرد امور حکومت انتقالی نقش کلیدی ایفا کنند.** از همین رو ارتشبد عطا محمد نور برای خریدن وقت زیر ریش محمد اشرف غنی احمدزی لم داده است. آقای نور در طی صحبت های اخیر خویش به آن عده از قدرت طلبانی تاخت که می خواستند در سایه تظاهرات مصالمت آمیز طرفداران و هواخواهان عبدالله عبدالله زمینه به انجام رسانیدن یک فتنه خونین بزرگی را در کابل رقم زنند. رییس اجراییه جمعیت اسلامی افغانستان می دانست که حلقه های خاص با همکاری یک دیگر تلاش داشتند با ایجاد درگیری های نظامی بین مظاهره کنندگان و نیروهای امنیتی دریای خون را در کابل جاری سازند تا از یک طرف جناح عبدالله عبدالله بدنام گردد و از طرف دیگر رژیم مجبور گردد حکومت نظامی اعلان نماید و این فتنه روند صلح بین امریکا و طالبان را ضرب بر صفر می کرد. **هدف از نیروهای مخل امنیت همانا دستوری های روند سبز به سرکردگی امرالله سلاخ و قبیله گرایان تمامیتخواه انحصارطلب قدرت بود که سعی داشتند با ایجاد کشمکش های خونین در کابل همه امید های مردم برای پایان جنگ های تحمیلی بالای افغانستان را نقش بر آب کنند.** زیرکی آقای نور در بیان چنان سخنانی موجب شد که طرح امرالله سلاخ و قبیله گرایان در نطفه خنثی گردد.

اما گزارش های تازه از مزار حاکی از آن است که **طالبان خواهان به رسمیت شناختن امارات اسلامی افغانستان توسط سازمان ملل متحد و اشغالگران کشور هستند.** تا حال بنیادگرایان همه احزاب اسلامی متعلق به اهل تسنن افغانستان با این خواست طالبان مخالفت جدی نکرده اند. طالبان می خواهند قانون اساسی آینده افغانستان مقام امیرالمومنین را برای سرکرده آنان به رسمیت بشناسد. این خواست طالبان توسط بنیادگرایانی چون عبد رب الرسول سیاف و گلبدین حکمتیار پذیرفته نشده و نمی شود. طالبان خواهان تشکیل یک نظام اسلامی بر اساس قرائت خود شان از شریعت اسلامی است. این خواست طالبان توسط همه ملایان، طالبانی تحت سایه رژیم دستنشانده امریکا در کابل و حتی بنیادگرایان و سلفیان افغانستان قابل پذیرش شناخته شده است. طالبان خواهان حضور ملا هیبت الله در قندهار هستند. همچنین طالبان می خواهند قوه های قضاییه، مقننه و

اجراییه باید بر اساس طرح ماکیاول از هم جدا باشند و در راس دولت پس از سرکرده آنان به نام امیرالمومنین، یک فرد به صفت رییس جمهور ریاست هر سه قوه را بر عهده گیرد و یک فرد به نام صدراعظم امور اجراییه نظام آینده را به پیش ببرد.

طالبان مخالف انتخابات آزاد و سری بر اساس اصل مردمسالاری هستند. آنان در عوض خواهان ایجاد جرگه و تشکیل شورای اهل حل و عقد در سایه امارات اسلامی مورد نظر خویش هستند. این خواست طالبان هم مورد قبول اکثر ملایان و همه بنیادگرایان موجود در احزاب اسلامی اهل تسنن افغانستان است.

ایران خواهان جایگاه سی درصدی برای اهل تشیع در نظام آینده افغانستان است. اما اهل تسنن ایران که بیش از بیست و هشت درصد نفوس ایران را تشکیل می دهد از همه حقوق انسانی، دینی، مذهبی و شهروندی خویش تحت سایه رژیم ولایت فقیه محروم هستند. سیاست یک بام و دو هوای رژیم آخندی ایران در قبال افغانستان، پس از امضای توافقنامه طالبان با امریکا، به زودی پس لگد های را به قم نشینان ایران حواله خواهد کرد.

طالبان خواهان تغییر ساختار ارتش افغانستان هستند. **سران گروهک طالبان خواهان احیایی نظام پشکی یا همان سربازی اجباری در افغانستان هستند تا از این طریق جلو جیره بودن ارتش افغانستان را بگیرند.**

طالبان در کل پشتون های قدرت طلب، تمامیت خواه، انحصارطلب و بدوی اندیشانی هستند که پس از بیست و پنج سال جنگ و نیرنگ در زمین افغانستان به پختگی های سیاسی هم رسیده اند. اعتبار کردن بالای حرف ها و قول های طالبان حماقت است و اعتماد کردن بالای آنان نمایندگی از بیشعوری یک فرد، گروه، حزب، قوم و حتی نظام را به نمایش می گذارد.

جان مطلب این است که **ملا عبدالغنی برادر برای خنثی کردن تحریکات نیروهای مقاومت ملی افغانستان برای ارتشبد استاد عطا محمد نور وعده سرخرمنی صدراعظم شدن را در نظام مورد نظر خویش پیشکش کرده است.** گزارش موثق به نقل قول از یکی از سران جمعیت اسلامی افغانستان حاکی از آن است که در نظام مورد نظر طالبان، ملا هیبت الله به صفت گویا امیرالمومنین، ملا عبدالغنی

برادر به صفت رییس و ارتشبد عطا محمد نور به صفت نخست وزیر امارات افغانستان گماشته خواهند شد. منبع همچنین مدعی است که علت اصلی از هم پاشیدن جناح محمد حنیف اتمر هم همین وعده خشک گلو گیری است که ملا عبدالغنی برادر از طریق پیام خصوصی به رییس اجراییه جمعیت اسلامی افغانستان فرستاده و قول داده که طالبان خلاف این وعده خویش عمل نخواهند کرد. وعده ملا عبدالغنی برادر از همین رو موجب شد تا استاد عطا محمد نور یک شبه ره عوض کند و زیر بیرق محمد اشرف غنی احمدزی لم دهد. ارتشبد عطا محمد نور از دید طالبان یک شخص عقده مند، کوچک اندیش و احساساتی است که می شود علیه هم سنگران و همخطان پیشین خویش استفاده شود. نخبگان طالبان پشتون های قدرت طلبی هستند که می دانند چگونه شخصیت های مانند ارتشبد عطا محمد نور را با وعده های سرخرمنی خنثی، عاطل و باطل و تاریخ زده و سپس نابود کنند. اما ارتشبد عطا محمد نور مطلع شده که تامین خواسته های طالبان فقط از طریق توافق امریکا با طالبان و مذاکره بین طالبان و رژیم دستنشانده کاخ سپید در کابل امکان پذیر است. پس از سپردن نظام افغانستان به طالبان جمعیت اسلامی افغانستان، حزب اسلامی افغانستان، جنبش ملی - اسلامی افغانستان و حزب وحدت اسلامی افغانستان و شاخه های به ظاهر منشعب شده از آن حزب هم به تاریخ خواهد پیوست، چون طالبان از عربستان سعودی دستور یافته اند تا ریشه همه ی چنین احزاب را در افغانستان بخشند.